



ایران نیروی نیابتی در منطقه ندارد

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست هفتگی با خبرنگاران گفت: «ایران گروه نیابتی در منطقه ندارد و جریانات مقاومت در منطقه نمایندگان ملت‌ها و کشورهای خود در برابر اشغالگری و تجاوزگری بیگانگان هستند. نیروهای مقاومت منطقه در چار چوب منافع ملت و کشور خود و در مسیر تأمین امنیت خود عمل می‌کنند و بخشی از روند سیاسی کشورهای خود هستند.»

سخنگوی وزارت امور خارجه بیان کرد: «آمریکا نیز از این همه جرم و جنایت هیچ دستاوردی را به دست نخواهد آورد و شکست‌های طولانی خود را در منطقه جبران نخواهد کرد.» کنعانی افزود: «بلافاصله پس از اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونیستی در هدف قراردادن منطقه ضاحیه بیروت و استفاده از بمب‌های اهدایی آمریکا برای ترور سیدحسن نصرالله، جمهوری اسلامی ایران فوراً اقدامات بین‌المللی و حقوقی را در دستور کار قرار داد و با توجه به حضور آقای عراقچی در نیویورک، وی همان جا مواضع ایران را اعلام کرد.» کنعانی تصریح کرد: «ما نیز به عنوان وزارت امور خارجه فوراً بیانه‌ای را صادر کردیم. آقای عراقچی با حضور در نشست شورای امنیت سازمان ملل مواضع ایران را اعلام و ضمن محکوم کردن اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی خواستار اقدام فوری جامعه جهانی و شورای امنیت شد.» سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: «آقای عراقچی با دبیرکل سازمان همکاری اسلامی نیز گفت‌وگو کرد و خواستار برگزاری نشست فوق‌العاده وزرای خارجه کشورهای اسلامی شد و سفیر ایران در سازمان ملل با ارسال نامه به دبیرکل سازمان ملل و رئیس دوره‌ای شورای امنیت خواستار اقدام فوری در این خصوص شد و در این نامه تصریح شد که ایران از حقوق خود دفاع خواهد کرد.» کنعانی بیان کرد: «اطمینان داریم که کشورهای اسلامی از ظرفیت‌های زیادی برای تنبیه رژیم صهیونیستی برخوردار هستند و این مطالبه و انتظار بحق ملت فلسطین از کشورهای اسلامی است که برای اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی از ابزار و امکانات خود استفاده کنند و شورای امنیت سازمان ملل در سایه نقش آفرینی‌های مخرب آمریکا تاکنون نتوانسته از عهده بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی برآید.»

وی افزود: «ایران جنگ‌طلب نیست و برای صلح، ثبات و امنیت تلاش می‌کند و در برابر هرگونه دست‌آوردی علیه منافع و امنیت ملی هیچ‌گاه دست بسته نبوده و نخواهد بود. کسی که در برابر امنیت ملی ایران بایستاد پاسخ این اقدامات ماجراجویانه را دریافت می‌کند. ما شعار نمی‌دهیم و عمل می‌کنیم و این مسئله را هم نشان دادیم که در برابر متجاوزان قاطع می‌ایستیم و دست و پای متجاوز را قطع خواهیم کرد.» کنعانی تصریح کرد: «اگر شرایط اقتضا کند الی بیت‌المقدس را تا خود بیت‌المقدس ادامه خواهیم داد و کسی در خصوص توانایی پاسخگویی ایران در برابر متجاوزان هیچ تردیدی نکند. رژیم صهیونیستی و جهان این را می‌داند و دیدند که ایران عمل می‌کند و شعار نمی‌دهد.»

کنعانی بیان کرد: «ما معتقدیم که دولت‌ها و ملت‌های منطقه از توانایی و اقتدار لازم برای دفاع از خود در برابر تجاوزگری رژیم صهیونیستی هستند و نیازی به اعزام نیروهای داوطلب از سوی ایران نیست و هیچ درخواستی هم از سوی کسی نداشتیم و اطلاع داریم که آنها نیازی به اعزام نیروی انسانی از سوی ما ندارند.»

کنعانی در خصوص مذاکرات هسته‌ای و تلاش برای رفع تحریم‌ها تأکید کرد: «تحریم‌ها علیه ایران غیرقانونی است و استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری غیرمشروع برای پیشبرد اهداف سیاسی است. ایران از ظرفیت حضور در مجامع بین‌المللی استفاده می‌کند و تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای رفع تحریم‌ها استفاده می‌کند.» وی ادامه داد: «مذاکرات هسته‌ای هدف مشخصی دارد و ارتباطی به موضوعات دیگر ندارد و چارچوب مشخصی دارد. در خصوص سفر آقای گروسی گفت‌وگوها و مذاکراتی صورت گرفته و سفر وی به ایران امر بعدی نیست و این رفت و آمدها وجود داشته و خواهد داشت.»

از حزب‌الله برای پیوستن به جنگ در حمایت از غزه پشتیبانی کردند اما این در حالی است که مهمترین چهره سیاسی این جریان یعنی سعد حریری که چند سالی است از سیاست کناره‌گیری کرده، به علت اختلافات دیرینه که یکی از آن‌ها اتهامی است که او در ترور پدرش، رفیق حریری، نخست‌وزیر فقید لبنان متوجه حزب‌الله می‌داند، پشت مقاومت و تصمیم نصرالله قرار نگرفت. حریری حتی در بیانه خود پس از شهادت دبیرکل حزب‌الله، اشاره‌ای تلویحی به ترور پدرش داشت و نوشت: «این ترور توسط ما محکوم می‌شود که عزیزی را از دست دادیم زمانی که ترور به جایگزینی برای سیاست تبدیل شد.» نخست‌وزیر پیشین لبنان پس از حملات گسترده اسرائیل نیز در حساب‌ایکس خود نوشت: «همبستگی ملی یک‌وظیفه اخلاقی و سیاسی در این مرحله از تاریخ لبنان است. مردم ما در جنوب، بقاع و ضاحیه، امنیتی برای همه لبنانی‌ها هستند و حمایت از آن‌ها بر هر ملاحظه‌ای اولویت دارد.» حریری پیش از این از هر اظهارنظری در خصوص شرایط جنوب اجتناب کرده بود و تنها در حساب خود به مناسبت‌هایی همچون سالگرد ترور رفیق حریری، سالگرد انفجار بندر بیروت، تسلیت فوت سلیم الحص و تبریک پیروزی تیم بسکتبال لبنان پرداخته بود.

امروز، لبنان در شرایطی قرار دارد که جنگنده‌های اسرائیلی بر فراز سر در پروازند و هر ساعت قطعاتی از این جغرافیای کوچک را بمباران می‌کنند؛ موج مهاجران از جنوب و ضاحیه پایتخت، آواره خیابان‌های بیروت و شهرهای مسیحی و سنی نشین شده‌اند و کشور حتی برای دریافت کمک‌های بشردوستانه تحت محاصره قرار گرفته است. در این میان نیز یکی از قدرتمندترین رهبران کشور که حتی غیرشعبی‌ان نیز به تدبیرش برای نجات کشور امیدوار بودند به شهادت رسیده است. اعلام دولت لبنان مبنی بر آمادگی بیروت برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ و عقب‌نشینی حزب‌الله به بخش شمالی رودخانه لیتانی اگر با موافقت این حزب صورت گرفته باشد و حزب‌الله پس از نابودی ارکان رهبری و عملیاتی خود و حملات گسترده به کشور، پذیرفته باشد که بدون تحقق شرط توقف آتش‌بس در غزه، جنگ را به پایان برساند، به معنای نابودی حیثیت این گروه و نابودی مفهوم مقاومت در منطقه خواهد بود که شاید در این مقطع، اجتناب‌ناپذیر به نظر برسد.

همچنین باید به این واقعیت نیز پرداخته شود که فردای پس از جنگ نیز برای لبنان وجود دارد؛ دقیقاً جایی که فقدان رهبر قدرتمند و کاریزماتیک حزب‌الله و کمک‌های مالی و لجستیکی جمهوری اسلامی ایران که خود تحت تحریم است و دیگر منابع فضای سیاست داخلی می‌شوند و باید از اندوخته‌های باقیمانده خود دفاع کنند. در این شرایط است که برای بدنه احزاب جریان ۸ مارس و طرفدارانش جز دو حالت قابل تصور نیست: بخشی که غالباً شامل طرفداران مسیحی این احزاب است احتمالاً از شرایط خشمگین و بخش شیعه نیز ناامید و سرخورده خواهند بود. در این شرایط، کشورهای منطقه نیز که از ابتدای آغاز بحران غزه، با یک چشم نگران افزایش سطح بحران و با یک چشم دیگر به تضعیف محور مقاومت و مشخصاً حزب‌الله امیدوار بودند خود را برای صیادی در فردای پایان جنگ آماده کرده‌اند تا به رویای دیرینه خود مبنی بر کوتاه کردن دست ایران و تضعیف بدنه حامی آن در لبنان، جامه عمل بپوشانند. این تحولات می‌تواند بار دیگر مهره‌های مدنظر آمریکا و عربستان سعودی را وارد صحنه سیاست کند. در این فضای قابل تصور، شاید نبیه بری، رهبر امل، سیاستمدار باسابقه و مورد وثوق همه جریان‌ها که به‌عنوان کانال ارتباطی غرب با مقاومت، تنها چهره‌ای است که می‌تواند با نگاه ملی و وطن‌پرستانه خود، بار طایفه شیعه زخم‌خورده را به دوش بگیرد. این جمله سیدحسن نصرالله پس از جنگ ۲۳ روزه بسیار معروف و بارها بازخوانی و یادآوری شده است که در مصاحبه با روزنامه الاخبار گفت: «اگر می‌دانستیم که عملیات ما در خاک اسرائیل به چنین جنگی ختم می‌شود، آیا باز هم انجامش می‌دادیم؟ من می‌گویم خیر، مسلماً انجامش نمی‌دادیم.» حال اما دبیرکل صادق حزب‌الله در این دنیا نیست که بتوانیم از او بپرسیم که اگر عالم بر تبعات تصمیمش در ۸ اکتبر ۲۰۲۳ بود، آیا بار دیگر چنین تصمیمی را اتخاذ می‌کرد؟

می‌شود و آیا پنج هزار خانه نیمه‌ویران شده، پنجاه هزار می‌شود! پس منتظر چه هستیم؟» وی همچنین افزود: «هیچ لبنانی‌ای نخواهد جنگ در کشور نیست. یک نفر به من بگوید که جنگ می‌خواهد! آمریکا و ایران خواهان جنگ در لبنان نیستند! این نتانیاهوست که جنگ می‌خواهد. آیا باید به او فرصت بدهیم تا بیشتر بکشد و نابود کند؟ یا سیاسی اتخاذ کنیم که لبنان را از غزه جدا کرده و خواستار آتش‌بس در لبنان است.»

میشل عون، رئیس‌جمهور پیشین لبنان نیز که پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری و کناره‌گیری از رهبری جریان ملی آزاد و واگذاری آن به دامادش، خیلی در فضای سیاسی حضور نداشت و کمتر اظهارنظری را از وی شاهد بودیم، در ماه اوت در اولین مصاحبه خود پس از پایان دوران ریاست‌جمهوری که با روزنامه الاخبار صورت گرفت، خواستار توقف جنگ در جنوب شد. رئیس‌جمهور پیشین گفت: «لبنان کوچکترین کشور منطقه است و هیچ توافقنامه اقتصادی و امنیتی آن را به غزه ملزم نمی‌کند.» عون هر چند اقدامات حزب‌الله را ستوده و هوشمندانه توصیف کرد اما از احتمال تهاجم زمینی اسرائیل برای ایجاد یک منطقه حائل در جنوب رودخانه لیتانی، ابراز نگرانی کرد. این سخنان ژنرال کهنه‌کار که یکی از مهمترین حامیان حزب‌الله در جنگ سال ۲۰۰۶ و در سال‌های پس از آن بود، در همان مقطع زنگ خطری را برای فضای سیاسی لبنان ایجاد کرد.

در این فضای شکل گرفته علیه تصمیم حزب‌الله برای حمایت از غزه و منوط ساختن توقف حمله به اسرائیل به آتش‌بس در غزه که حتی به متحد پیشین نیز رسیده است؛ مخالفین ریشه‌دار حزب‌الله و مقاومت نیز سکوت نکرده و در یک‌سال گذشته در راستای فشار و تضعیف آن تلاش کرده‌اند. سامی جمیل، رهبر کتاب، یک روز پیش از شهادت سیدحسن نصرالله در جریان یک نشست خبری، بار دیگر از حزب‌الله خواسته بود سلاح خود را زمین بگذارد. جمیل در این نشست گفت: «هیچ طرفی نمی‌تواند تصمیم بگیرد که لبنان را به جنگ بکشاند، به مردم لبنان رحم کنید و این جنگ را متوقف کنید، جنگ غزه، جنگ ما نیست، ما می‌توانیم از آن حمایت کنیم، اما نه به قیمت هزینه مردم لبنان.»

ندیم جمیل، نماینده پارلمان لبنان، عضو حزب کتاب و فرزند بشیر جمیل، رئیس‌جمهور پیشین لبنان که پیش از ادای سوگند ریاست‌جمهوری، در جریان جنگ داخلی و در یک بمب‌گذاری ترور شد نیز دو روز پیش از این ترور در حساب‌ایکس خود نوشت: «وقایع چند روز گذشته، بار دیگر این روایت حزب‌الله را که تنها این حزب است که می‌تواند از لبنان دفاع کند ساقط کرد. سلاح‌های آن قادر به دفاع از جنوب، بقاع و لبنان و حتی حزب خود نبود... ما از حزب‌الله برای هرکاری که انجام داد از جمله نابودی لبنان و اقتصاد آن و امید و اعتماد جوانان به این کشور تشکر می‌کنیم.» ندیم جمیل همچنین پس از آخرین سخنرانی دبیرکل شهید حزب‌الله نوشت: «کوه موش زاید.»

سمیر جعجع، رهبر حزب قوات اللبانیه به‌عنوان دشمن قدیمی حزب‌الله و حامیانش نیز، در طول سال گذشته علاوه بر مواضع شفاهی مانند هم‌پیمانان خود در کتاب، اقدامات عملی و بی‌ثبات‌کننده را که به صورت تاریخی مختص این حزب و حامیانش است، در دستور کار قرار داد. حامیان و اعضای قوات، در ماه آوریل و با بهانه کشته شدن پاسکال سلیمان، یکی از اعضای این حزب توسط چند آدم‌ریای سوری، با حمله به منازل و مغازه‌های مهاجرین سوری‌ها، عرصه را برای آنچه با عنوان تقابل خیابانی در تاریخ معاصر لبنان بارها رخ داده، مهیا کرده و انگشت اتهام را به سمت حزب‌الله گرفتند. این در حالی است که در بیانه ارتش لبنان در خصوص این حادثه عنوان شد که «سلیمان در حالی کشته شد که این افراد در تلاش بودند تا خودروی او را بزدند.» با این حال، سیدحسن نصرالله در اقدامی هوشمندانه در پاسخ به مطالبه شکل گرفته برای خروج مهاجرین سوری از لبنان، در یک سخنرانی گفت که «برای رسیدگی به موضوع آوارگان سوریه‌ای میان لبنانی‌ها اتفاق نظر وجود دارد و به این منظور باید ارتباط رسمی با دولت سوریه به شکل رسمی توسط دولت لبنان برقرار شود تا باب بازگشت آوارگان بازگردد.»

در طول یک‌سال گذشته، جامعه اهل سنت لبنان که خود را به دلیل مذهب، حامی اصلی آرمان و مردم فلسطین می‌دانند،

باید به این واقعیت نیز پرداخته شود که فردای پس از جنگ نیز برای لبنان وجود دارد؛ دقیقاً جایی که فقدان رهبر قدرتمند و کاریزماتیک حزب‌الله و کمک‌های مالی و لجستیکی جمهوری اسلامی ایران که خود تحت تحریم است و دیگر منابع سال ۲۰۰۶ را در اختیار ندارد، این حزب و متحدینش وارد فضای سیاست داخلی می‌شوند و باید از اندوخته‌های باقیمانده خود دفاع کنند. در این شرایط است که برای بدنه احزاب جریان ۸ مارس و طرفدارانش جز دو حالت قابل تصور نیست: بخشی که غالباً شامل طرفداران مسیحی این احزاب است احتمالاً از شرایط خشمگین و بخش شیعه نیز ناامید و سرخورده خواهند بود



این جلسه، حزب‌الله، امل و حامیان‌شان از سلیمان فرنجیه، رهبر جریان المرده حمایت می‌کردند که با مخالفت جبران باسیل، رهبر جریان ملی آزاد و داماد میشل عون، رئیس‌جمهور پیشین، به‌عنوان کاندیدای مدنظر ائتلاف ۸ مارس یا همان حزب‌الله و هم‌پیمانانش انتخاب شده بود. سلیمان فرنجیه، نوه سلیمان فرنجیه، رئیس‌جمهور فقید لبنان، پس از اختلافات شکل گرفته میان حزب‌الله و FPM، به‌عنوان رهبر مهمترین حزب مسیحی حامی و هم‌پیمان حزب‌الله شناخته می‌شود که در طول یک‌سال گذشته نیز از اقدامات این حزب حمایت کرده است. فرنجیه پس از نخستین حمله نظامی اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت پس از ۷ اکتبر در حساب‌ایکس خود نوشت: «هر روز برای ما روشن می‌شود که برای رهایی یا مقابله با این دشمن، راهی جز مقاومت وجود ندارد.» رهبر جریان المرده پس از شهادت سیدحسن نصرالله نیز نوشت: «نماد (مقاومت) رفت، اسطوره متولد شد، مقاومت ادامه دارد.»

موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری اما شروعی برای گسست حزب‌الله از حامی مسیحی قدرتمند خود یعنی جریان ملی آزاد بود تا این حزب و رهبر آن یعنی جبران باسیل، در جریان یک‌سال گذشته نیز هر چند با موضوعی نرم‌تر اما در جبهه مخالفین مقاومت قرار بگیرد و از نصرالله بخواهد تا جنگ را در جنوب متوقف کند. باسیل در نخستین اظهارنظر خود پس از پیوستن حزب‌الله به جنگ در ۲۹ اکتبر و زمانی که مقاومت تنها اهدافی را در مزارع شبعا مورد هدف قرار می‌داد، گفت: «ما می‌خواهیم در حالت دفاع از خود باشیم، نه حمله. مزارع شبعا در خاک لبنان اشغال شده است. حزب‌الله از طریق عملیات خود، حق لبنان برای بازپس‌گیری سرزمینش را تأیید کرده است.» رهبر FPM اما پس از حملات اسرائیل به جنوب گفت: «مجبور نیستیم درگیر جنگ غزه بمانیم، نه می‌دانیم چه زمانی پایان می‌یابد و نه میزان تأثیر و عواقب آن را بر لبنان می‌دانیم. نمی‌دانیم که آیا سیدصد شهید، سه هزار می‌شود یا نه. هفتصد خانه کاملاً ویران شده، هفت هزار تنظیم وضعیت داخلی خود را برای مقابله با وضعیت امنیتی جدید آغاز کرده است اما این ممکن است به زمان نیاز داشته باشد. بنابراین حزب در این مرحله به حمایت همه نیروهای مقاومت در منطقه نیاز خواهد داشت. این مرحله بسیار حساسی است و مسئولیت بزرگی بر عهده همه نیروهای مقاومت در لبنان، منطقه و جهان گذاشته که در کنار مقاومت لبنان بایستند و با تمام امکانات از آن حمایت کنند، زیرا شکست در نبرد در لبنان به معنای پیروزی برای پروژه آمریکایی-صهیونیستی در کل منطقه است که البته تأثیر زیادی بر موازنه‌های بین‌المللی خواهد داشت. اکنون باید سیاست تزلزل را کنار گذاشت و دشمن اسرائیلی را ریشه کن کرد.

حتی پیش از پیوستن حزب‌الله به جنگ در ۸ اکتبر سال گذشته، لبنان با بحران‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی دست به گریبان بود. این جنگ چه تأثیری بر تعمیق آن بحران‌ها گذاشته است؟ نگاه خواص جامعه لبنان به تحولات یک سال اخیر چیست؟

لبنان با یک بحران اقتصادی و مالی بسیار بزرگ وارد جنگ شد. اگرچه جنگ به مدت یک سال به درازا کشیده شد اما دولت لبنان هیچ کاری برای آماده شدن برای بدترین سناریو انجام نداد. بنابراین، هنگامی

گذاشت، زیرا وی توانایی کنترل بازی سیاسی داخلی و حفظ موازنه‌های سیاسی را داشت و در بسیاری از بزنگاه‌ها، لبنان را از درگیری‌های داخلی خشونت‌آمیز در امان نگاه داشت. من معتقدم که غیبت سیدحسن نصرالله تأثیر بسزایی بر صحنه سیاسی لبنان و همچنین بر نفوذ سیاسی و مردمی حزب‌الله خواهد داشت.

مواضع احزاب و شخصیت‌های سیاسی را پس از اقدام اسرائیل در شهادت دبیرکل حزب‌الله چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از ترور سیدحسن نصرالله بیانه‌های زیادی در محکومیت این ترور جنایتکارانه صادر شد. تقریباً یک اجماع داخلی برای محکومیت این جنایت وجود دارد. در سطح رسمی، دولت این جنایت را محکوم کرد، همانطور که میشل عون، رئیس‌جمهور سابق و نبیه بری، رئیس مجلس، این جنایت را محکوم کردند. اکثر احزاب لبنانی نیز بیانه‌هایی در محکومیت این جنایت صادر کردند. نصرالله در لبنان احترام زیادی دارد و مخالفانش قبل از متحدانش به او احترام می‌گذارند. در سطح مردمی، غم و اندوه زیادی در لبنان برای شهادت سیدحسن وجود دارد، همه مردم لبنان از تمامی طوائف، ضایعه بزرگی را که در نتیجه ترور سیدحسن نصرالله بر آن‌ها وارد شد، احساس می‌کنند.

که امواج آوارگان جنگ آغاز شد، پناهگاه‌ها مهجّر نشده بودند و هیچ طرح تخلیه‌ای وجود نداشت که چالش بزرگی بود که ابتکارات مردمی به آن پاسخ دادند. این نشان‌دهنده استقبال گسترده مردمی از مقاومت و انتخاب آن بود؛ به‌ویژه در مناطقی که حوزه نفوذ حزب‌الله محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، لبنان از دیرباز بین حامیان مقاومت و ضد مقاومت تقسیم شده است و این پدیده جدیدی نیست و فکر نمی‌کنم در آینده تمام شود. در حال حاضر یک تقسیم‌بندی داخلی در این زمینه وجود دارد اما با تقسیم‌بندی‌ای که در طول جنگ جولای وجود داشت فاصله زیادی دارد. فکر می‌کنم نیروهای ضد مقاومت به درخواست آمریکا حرکت می‌کنند و در این شرایط سختی که ما داریم، کارزار خود را علیه مقاومت افزایش خواهند داد.

شهادت دبیرکل حزب‌الله به‌عنوان یکی از رهبران قدرتمند سیاسی، چه تأثیری بر جایگاه حزب‌الله و متحدینش در سیاست داخلی لبنان خواهد داشت؟

شکی نیست که شهادت سیدحسن نصرالله تأثیر مهمی بر سیاست داخلی لبنان و در واقع در منطقه خواهد داشت. سیدحسن نصرالله یک سیاستمدار معمولی نبود و نفوذ او فراتر از لبنان بود. در سطح داخلی، غیبت سیدنصرالله بر موازنه سیاست داخلی تأثیر خواهد